

چین سرمایه می خواهد  
آمریکا بازارهای جدیدجورج فریدمن  
استراتژیست

اتفاق‌های کوچک می‌توانند حقیقت ژئوپلیتیک بزرگتری را نمایان کنند. نمونه آن، دیدار اخیر گروه کاری مالی آمریکا و چین است. این گروه که شامل نمایندگان بانک مرکزی و سازمان‌های دولتی هر دو طرف است، هفته گذشته در چین جلسه‌ای تشکیل دادند تا کاری را که برای تحقق آن طراحی شده بود، انجام دهند: هماهنگی تغییرات در سیستم‌های بانکی مربوطه. این دیدارها به‌طور مرتب انجام می‌شوند، بنابراین مهم‌ترین مسئله، این است که بدانیم چه موضوعاتی باید هماهنگ شوند و تا چه حدی بر اقتصاد هر دو طرف تأثیر می‌گذارند.

در ظاهر روابط چین و آمریکا تحت فشار قرار گرفته است. هر کدام سیستم‌های تسلیحاتی خود را در موقعیتی قرار داده‌اند که برای طرف دیگر، هشداردهنده باشد. هر کدام روابط نزدیکی با کشورهای دارند که می‌توانند به‌ضد منافع این گروه کاری مالی عمل کنند. در روابط چین و آمریکا ظاهراً در تمام مدت تنش وجود دارد. همین چند هفته پیش، دو هواپیمای بمب‌افکن روسی به‌دو هواپیمای بمب‌افکن چینی پیوستند تا عملیات تحقیقاتی خود را در یک پایگاه هوایی نزدیک آلاسکا آغاز کنند و به رهبرهای کانادایی و آمریکایی نزدیک شدند. سپس در این هفته، یک هواپیمای نظارتی چینی، اولین هواپیمای نظامی چینی بود که حریم هوایی ژاپن، متحد آمریکا را نقض کرد. آمریکا همچنین روابط نزدیکی با فیلیپین دارد که به‌طور مرتب از سوی چین به‌چالش کشیده می‌شود. آمریکا همواره منافع چین را با حمایت قاطعانه از تایوان تضعیف می‌کند. این مثال‌ها ادامه دارد.

ژئوپلیتیک حکم می‌کند، اختلافات سیاسی، تهدیدهای مسائل اقتصادی و البته اقدامات نظامی آغازگر جنگ‌ها باشند. اگر بودجه، بُعدی از سیستم ژئوپلیتیک است پس باید با مسائل نظامی، سیاسی و اقتصادی هماهنگ باشد. تنش‌های سیاسی و نظامی بین آمریکا و چین در مسائل اقتصادی و مالی نیز وجود دارند؛ موضوعی که برای تمام کشورهایی که در آستانه جنگ قرار دارند، مشترک است. منطقی است که کشورها هر کدام از ابعاد روابط خود را معقولانه هماهنگ کنند؛ به‌ویژه زمانی که روابط تیره و تار است. اما هماهنگی در جایی که خیلی‌ها انتظار جنگ را دارند، عجیب است.

واضح بگویم، فکر نمی‌کنم آمریکا و چین وارد جنگ شوند. آمریکا چیز کمی برای به‌دست آوردن و چیز زیادی برای از دست دادن دارد. چین تصمیم پیچیده‌تری باید بگیرد و ممکن است برای جنگ در آسیا آماده باشد اما نسبت به‌هنگامه جنگ دریایی محتاط است. این ملاحظات باعث می‌شود بررسی کنیم چرا این نشست گروه کاری مالی برگزار شده است. در ظاهر این جلسه برای اطمینان حاصل کردن و کارآمدتر شدن سیستم نقل و انتقالات مالی برای سرمایه‌گذاری و تجارت است. آمریکا در هر دو مورد منافع دارد. اگر این صرفاً یک جلسه فنی برای کارآمدتر کردن تراکنش‌های مالی باشد، پس جلسه عادی خواهد بود. اما به‌منظر من چیزی بیش از این است.

رابطه بین آمریکا و چین به‌یک اندازه پرتنش و پیچیده است. اما اقتصاد به‌گونه‌ای است که هر دو علاقه‌مند به همکاری هستند. ترند این است که موانع مالی برطرف شوند که در غیر این صورت مانع از پیشروی تجارت خواهد شد. نشست هفته گذشته گامی در این راستاست. هر دو طرف بر اساس یک اصل عمل می‌کنند که «یک معامله برای پرداخت‌ها اجرا کنید و بقیه را به بازار بسپارید.»

نگاه به چین به‌عنوان یک ابرقدرت نظامی تا حد زیادی کم‌رنگ شده است. این دیدگاه که باید در چین درآمندی کرد دوباره احیا شده است. تمرکز فنی گروه کاری مالی، مشکلات اقتصادی را که حالا روی میز قرار گرفته، نقض می‌کند. پیش از این چندین نشست فنی بین آمریکا و چین برگزار شده بود اما جلسه هفته گذشته کمابیش اولین نشستی بود که آمریکا فعالیت‌های نظامی چین را بلوف خواند. چین به سرمایه‌گذاری نیاز دارد، آمریکا به بازارهای جدید. هر دو هم این موضوع را می‌دانند. زمان خوبی برای آمریکایی‌ها و چینی‌هاست که روی جزئیات کار کنند.

یاسمن طاهریان  
خبرنگار گروه بین‌الملل

«مشکل می‌تواند به شاخ خود آویزان شود اما دم ندارد» این ضرب‌المثلی سومالیایی است که می‌گوید پیش‌گیری از فاجعه امکان‌پذیر است اما نمی‌توان آن را به‌راحتی کنترل کرد. به‌لطف توسعه‌گرایی‌های جاه‌طلبانه آبی احمد علی، نخست‌وزیر اتیوپی و برنامه‌های بی‌ملاحظه‌اش، شاخ آفریقا در آستانه جنگ قرار دارد که پس از به‌خطر انداختن این منطقه، تمام جهان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

کاتالیزور این درگیری علاقه وافر آبی احمد در تبدیل اتیوپی به‌کشور ساحلی است. او سال گذشته اعلام کرد که اتیوپی نمی‌تواند محصور در خشکی باقی بماند و باید به دریا دسترسی داشته باشد، چه از طریق مذاکرات باشد چه با استفاده از زور. برای این هدف سومالی، ضعیف‌ترین کشور ساحلی هم‌مرز با اتیوپی بود که به‌وضوح مورد هدف آبی قرار گرفت. در اول ژانویه، آبی احمد تفاهم‌نامه‌ای را با رئیس‌جمهور سومالی‌لند، جمهوری خودخوانده جداشده از سومالی را در شمال غرب این کشور امضا کرد. در ازای به‌رسمیت شناختن سومالی‌لند، اتیوپی بندر نظامی ۱۲ کیلومتری را در خلیج عدن به‌دست می‌آورد. آبی احمد هم به ساحلی که می‌خواست می‌رسید.

افکاری علمی، استاد دانشگاه موگادیشو و یکی از نویسندگان «شورای خاورمیانه در امور جهانی» است. یوسف حسن، عضو سازمان تحقیقاتی در دانشگاه شهر موگادیشو است. علمی و حسن در یادداشتی در نیویورک تایمز اعطای این بندر نظامی به اتیوپی را نقض فاحش حق حاکمیت سومالی و یکپارچگی منطقه‌ای و آن را یادآور سابقه مداخله‌گری‌های ویرانگر اتیوپی در سومالی می‌دانند. سومالی تفاهم‌نامه میان اتیوپی و سومالی‌لند را فورا رد کرد و به کشورهای منطقه و قدرت‌های بین‌المللی توضیح داد که اتیوپی به‌دنبال کسب کنترل این منطقه از سومالی از طریق ابزارهای غیرقانونی است. سازمان ملل، اتحادیه آفریقا، آمریکا و اتحادیه اروپا تماماً حمایت خود را از موضع سومالی اعلام داشتند و بر لزوم احترام به مرزبندی‌ها و حاکمیت ملی این کشور تأکید کردند.

با وجود فشارهای بین‌المللی، به‌ویژه از سوی دولت بایدن، آبی احمد دست از خواسته‌های خود برنداشته است. او ظاهراً باور دارد که حالا زمان درستی برای اجرای این برنامه است. سومالی با خیزش تندروها دست و پنجه نرم می‌کند و حواس دولت آمریکا هم به انتخابات ۲۰۲۴، درگیری‌های خاورمیانه و اروپا، جنگ غزه و اوکراین پرت شده است. پیروزی احتمالی دونالد ترامپ که آبی احمد ظاهراً امیدوار است یا به حمایت از او یا بی‌تفاوت نسبت به اقداماتش را در پی داشته باشد، مزیت دیگری برای رئیس‌جمهور اتیوپی است.

تنش‌ها در هفته‌های اخیر تشدید شده‌اند. اتیوپی برای نمایش قدرت، دو بار سربرازان خود را در ماه ژوئن به سومالی فرستاد که باعث شد سومالی به شورای امنیت ملی سازمان ملل شکایت کند. در جولای، شبه‌نظامیان محلی در سومالی دو کامیون پر از اسلحه و مهمات را که از اتیوپی فرستاده شده بودند، به این پهناکه که این سلاح‌ها به کشورشان وارد شده‌اند غارت کردند.

سومالی هم تهدید کرد که سربرازان اتیوپیایی را از نیروهای حافظ صلح آفریقا در کشور تعلیق می‌کند و در ماه جولای در اقدامی جسورانه، یک معاهده دفاعی را با مصر امضا کرد. سومالی در سال جاری معاهده دیگری را نیز با ترکیه امضا کرده بود. آنکارا برای میانجی‌گری وارد عمل شد اما هنوز نتوانسته راه‌حلی را برای این تنش پیدا کند. حالا که هر دو طرف سر ناسازگاری دارند کل منطقه روی یک بمب ساعتی قرار گرفته است.

با وجود بی‌ثباتی شدید، شرق آفریقا برای تجارت و امنیت بین‌المللی اهمیت دارد. خلیج عدن و دریای سرخ، آسیا را به اروپا و قاره آمریکا متصل می‌کند در حالی که شاخ آفریقا، دروازه آسیا به قاره آفریقا است. مسئله دیگری که به‌همان اندازه نگران‌کننده است، احیای گروه‌های اسلام‌گرای تندرو مثل الشباب است که هم‌اکنون اعلام کرده هزاران عضو جدید از جوانان سومالی را برای مبارزه با اتیوپیایی‌ها جلب کرده است. علمی و حسن هشدار می‌دهند، بی‌ثباتی در شرق آفریقا خطر بزرگی برای جهان است.

زمان کوتاه است: تلاش‌های دوباره برای میانجی‌گری در این ماه شکست خورده است. علمی و حسن می‌نویسند، اتیوپی همانند هر کشور دیگری که محصور در خشکی است، باید به‌دنبال دسترسی تجاری به دریا از طریق همکاری و یکپارچگی اقتصادی باشند و با تجزیه‌طلبان معامله نکنند. به‌گزارش نیویورک‌تایمز واشنگتن که سرمایه‌گذاری‌های بزرگی در این منطقه کرده است هم باید بر رهبران کشورهای شرق آفریقا فشار آورد تا مذاکرات را ترویج کند و سومالی و سومالی‌لند را آشتی دهد.

این کار آسان نخواهد بود. دریای سرخ و خلیج عدن اهمیت بسیار بالایی دارند که به منطقه جنگی دیگری تبدیل شوند. شرق آفریقا هم برای ماجراجویی‌های گستاخانه بسیار شکننده است. جهان باید این مشکل را از شاخ آن جدا کند. چون زمانی که شعله‌ور شود، هیچ دمی نخواهد بود که جلوی آن را بگیرد.

## جنگی بدتر از غزه و اوکراین

به گزارش فارن افرز، مطمئن‌ترین درگیری مسلحانه قرن ۲۱ تاکنون جنگ غزه و اوکراین نیست، بلکه جنگ داخلی فاجعه‌بار اتیوپی است که ۱۸ ماه پیش تمام‌شده. این درگیری که به جنگ تیگری نیز شناخته می‌شود، جان بیش از ۵۰۰ هزار سرباز و ۳۶۰ هزار غیرنظامی را گرفت که یکی از خون‌بارترین درگیری‌ها

از زمان پایان جنگ سرد است. جنگجویان دست به اقدامات خشونت‌آمیز و خشونت جنسی زدند، زمین‌های وسیعی را در شمال منطقه تیگری از بین بردند و ضربه بزرگی به اقتصاد زدند که در سه دهه گذشته اتیوپی را به یکی از پایتخت‌ترین کشورهای به‌سرعت در حال توسعه تبدیل کرده بود.

اما بحرانی که امروز اتیوپی با آن روبه‌روست به‌همان اندازه وحشتناک است. در نوامبر ۲۰۲۲، دولت اتیوپی و جنبش آزادی‌بخش خلق تیگری وارد آتش‌بس شدند تا به جنگ تیگری خاتمه دهند اما معاهده صلح هیچ‌وقت اعمال نشده است. از آن زمان، دولت اتیوپی با شورشیان جدیدی در منطقه امپارا روبه‌رو شده که در میان آنها همان گروه‌هایی وجود دارند که به دولت همسایه، تیگری، کمک کردند که منطقه را غیرقابل اداره کرده است. شورش دیگری در اورومیا، بزرگترین و پرجمعیت‌ترین منطقه کشور، ادامه دارد.

دیگر گروه‌های مسلح محلی نیز با دولت در حال جنگ‌اند تا حدی که وسعت بزرگی از کشور به مناطق ممنوعه تبدیل شده است. در این میان، بیشتر مناطق شمالی از جمله تیگری به‌فقطی گرفتار شده‌اند. به‌گفته سازمان ملل، نزدیک به ۳۰ میلیون نفر، نزدیک به یک‌چهارم جمعیت، به کمک‌های غذایی اضطراری نیاز دارند و بدون کمک‌های بشردوستانه بسیاری از آنها در ماه‌های آینده دچار گرسنگی می‌شوند.

امارات متحده عربی، متحد اصلی خارجی دولت برای اتیوپی پول و سلاح می‌فرستد. عربستان و ترکیه هم برای ارتبه، سومالی و این نیروهای مسلح سودان، که می‌تواند نیروهای نیابتی را وارد درگیری کند.

الکس دی وال، محقق بریتانیایی در سیاست آفریقا و مدیر بنیاد جهانی صلح و مولوگنا گریپهوت برحه، محقق صلح اتیوپی در فارن افرز می‌نویسند، هیچ راه‌حل آسانی برای بحران چندوجهی اتیوپی وجود ندارد. اما جهان به‌سرعت باید ورود کند. آمریکا به‌ویژه باید

امارات متحده عربی را تحت‌فشار قرار دهد تا به‌قابیت مخرب در شاخ آفریقا پایان دهد. بدون چنین اقدامی، گرسنگی گسترده می‌تواند آنچه از یک نظم سیاسی شکننده باقی مانده را از بین ببرد.

## امپراطوری‌ها و شورشیان

یکی از پارادوکس‌های چندپارگی روزافزون اتیوپی این است که اتیوپیایی‌ها در کل به‌ایده کشور خود احترام می‌گذارند. به‌استثنای اشغال کوتاه‌مدت از سوی فاشیست‌های ایتالیا، آنها تاریخ تقریباً لاینقطع خود به‌عنوان یک کشور مستقل را جشن می‌گیرند و عموماً به رهبر خود احترام می‌گذارند. اما تاریخ اتیوپی روی دیگری نیز دارد: این کشور از گروه‌های مختلف قومی تشکیل شده و در دوره‌های مختلف زمانی که اقتدار ملی تضعیف شد، شاه‌نشین‌های رقیب برای به‌دست آوردن قدرت تلاش کرده‌اند. در قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم که برای اتیوپیایی‌ها به‌عنوان «عصر شاهزادگان» شناخته می‌شود، هیچ قدرت مرکزی وجود نداشت.

آغاز شکل‌گیری اتیوپی مدرن از سال‌های ۱۸۶۰ شروع شد، زمانی که یک کارآفرین نظامی توانمند، رقبای خود را شکست داد یا به‌وحشت انداخت. او خود را امپراطور تنجوروس خطاب کرد. سپس جانشین او منلیک دوم یک ارتش منسجمی را تشکیل داد که ایتالیایی‌ها را شکست داد و به‌گسترش قلمرو امپراطوری خود پرداخت. پس از جنگ جهانی دوم، امپراطور تافاری ماکونن ولدمیکائیل با نام رسمی هایل لاسی، در طول دهه‌ها پادشاهی خود، قدرت مرکزی را یکپارچه کرد.

با این حال در اواخر قرن بیستم، اتیوپی دوباره در آستانه چندپارگی قرار گرفت. سال ۱۹۷۴، پس از یک چرخش عمومی، ارتش هایل لاسی پیر برکنار شد. در ۱۷ سال بعد از آن، خونتای نظامی به‌رهبری فرمانده منگیستو هایل ماریام با شورشیان در هر گوشه و کاری از کشور مبارزه کرد و بازی بی‌ثباتی مشترک را با سومالی و سودان به‌راه انداخت. حمایت شدیدی که منگیستو از

## جنگی که هیچ‌کس

## بی‌ثباتی در دریای سرخ و خلیج

